

## شیوه‌ها و شرایط تشویق در تربیت اخلاقی کودک از منظر روایات

\* محمد نظیر عرفانی

\*\* سید کمال حسن رضوی

### چکیده

انسان موجودی است که روح خدا در او دمیده شده و استعدادهاى رسیدن به کمال در درون او گذاشته شده است. این استعدادها در اثر تعلیم و تربیت صحیح شکوفا می‌شود. در این میان یکی از اصول مهم تعلیم و تربیت اصل تشویق و تنبیه است. تشویق در اصطلاح ایجاد شور و شغف، حرکت و سرعت در مسیر انجام کار به طور کامل و نیکو است و تنبیه عبارتست از آگاه ساختن کسی بر امری، هشیار ساختن، واقف گردانیدن به چیزی، مجازات کردن.

در احادیث معصومین (ع) نمونه‌های مختلف تشویق و تنبیه به چشم می‌خورد که نمایانگر ضرورت تشویق و تنبیه در مکتب ائمه (ع) است. برخی از مهم‌ترین شیوه‌های تشویق عبارتند از شیوه‌های کلامی، مالی، عاطفی و معنوی که برای به کار بردن این شیوه‌ها شرایط لازم را باید رعایت نمود همانند: تناسب تشویق و تنبیه با رفتار شخص، پرهیز از افراط و تفریط، توجه به هدف نبودن تشویق و تنبیه، بجا و به موقع بودن تشویق و تنبیه، اشاره به علت تشویق یا تنبیه

**واژگان کلیدی:** تشویق، تنبیه، کودک، تربیت، تربیت اخلاقی

\* دانش‌آموخته دکتری قرآن و علوم، جامعه المصطفی‌العالمیه (نویسنده مسئول)، mna8181@yahoo.com

\*\* سطح چهار علوم و فنون قرآنی، جامعه المصطفی‌العالمیه



## مقدمه

در تربیت اخلاقی کودک، به مربی حق ارزیابی متربی داده می‌شود تا به سنجش و محاسبه رفتارهای وی بپردازد و برای اینکه این ارزیابی دارای ضمانت اجرا باشد نیازمند روش‌های مختلف تربیت هستیم که از جمله آن‌ها تشویق است و شایسته است در این باره سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) را الگوی خود قرار دهیم. وقتی فرزند، رفتاری ارزش مدارانه انجام می‌دهد باید به گونه‌ای فضا را آماده کرد که احساس خوشایندی نسبت به عمل ارزشی خود داشته باشد؛ این «احساس خوشایند» به خودی خود هدف نیست بلکه وسیله‌ای برای فضاسازی ارزشی است

### گفتار اول: شیوه‌های تشویق

#### ۱. شیوهی کلامی

بیشتر انسان‌ها از درون‌مایه و شیوهی بازگویی سخن، اثر می‌پذیرند. به همین دلیل، اسلام نیز در ابلاغ پیام‌ها، به نرمی و خوش‌آیند بودن سخن تأکید می‌کند. برای نمونه، خداوند به حضرت موسی علیه‌السلام دستور می‌دهد که برای فراخواندن فرعون به توحید از سخنان نرم و ملایم بهره جوید:

أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ.<sup>۱</sup>

به سوی فرعون بروید، زیرا طغیان کرده است، ولی به نرمی با او سخن بگویید. شاید متذکر شود یا از خدا، بترسد.

کلام ملایم و نرم، سخنی است که گفتن آن در افراد، نگران‌کننده و شکننده نیست و آدمی از آن احساس آرامش می‌کند. طبیعت افراد، بیشتر به انس، صفا، چشم‌پوشی، محبت و رحمت‌گرایی دارد. به همین دلیل، اثرگذاری تفهیم و ارشاد در انسان با بهره‌گیری از ملاحظت و مهر بیشتر است.

#### ۱-۱. تحسین

تحسین به معنی نیکو شمردن کار است. هنگامی که کودک یا حتی بزرگ‌سالی را تحسین می‌کنید، روحیه‌ی امیدوارانه‌ای در او پدید می‌آید و خواهد کوشید همان کار را تکرار کند و از تحسین دیگران برخوردار شود. از این‌رو، تحسین را باید از عوامل مهم در نفی جنبه‌های منفی و تقویت جنبه‌های مثبت آدمی دانست.

<sup>۱</sup>: طه/ ۴۳ - ۴۴.



تحسین، شخصیت سرکوب‌شده‌ی کودکان را زنده می‌کند و آنان را برای ادامه دادن کارهای پسندیده، دل گرم می‌سازد. نور امید و رضایت درونی را در قلب او می‌تاباند و بر توانایی و همت او در انجام کارها می‌افزاید.

گاهی تحسین‌ها متوجه رفتار فرد دیگری است. به دیگر سخن، ما فردی را می‌ستاییم تا کودک دریابد که ما از رفتار آن فرد خشنود بوده‌ایم و او نیز به همان کار دست یازد. بنابراین، ستودن رفتار نیک دیگران، وسیله‌ای است برای به راه آوردن فرزند.<sup>۱</sup>

امام محمد باقر علیه‌السلام از امام سجاد علیه‌السلام درباره‌ی اصل تحسین نقل می‌فرماید: **كَانَ أَبِي زَيْنِ الْعَابِدِينَ إِذَا نَظَرَ إِلَى الشَّبَابِ الَّذِينَ يَطْلُبُونَ الْعِلْمَ، ادْنَاهُمْ إِلَيْهِ وَقَالَ: مَرْحَبًا بِكُمْ! أَنْتُمْ وَ دَائِعُ الْعِلْمِ يَوْشِكُ إِذَا أَنْتُمْ صَغَارُ قَوْمٍ أَنْ تَكُونُوا كِبَارُ قَوْمٍ آخِرِينَ.**<sup>۲</sup>

پدرم امام زین‌العابدین هنگامی که جوانان جوئی دانش را می‌دید، آنان را نزد خود فرا می‌خواند و می‌فرمود: آفرین بر شما باد! شما ذخیره‌هایی دانش، اکنون کودکان طایفه هستید، ولی به زودی از بزرگان و دست اندرکاران قبیله خواهید شد.

## ۲-۱. رضایت‌مندی

پس از آنکه کودک، نوجوان یا کارمند در دوره‌ای بر خود سخت گرفت تا ضوابط را رعایت کند، باید رضامندی خود را از او اعلام کرد.

اعلام رضایت پدر و مادر، آموزگار و مربی از کودک، او را خشنود می‌سازد. باید دانست رضایت مادران نیز ارزنده است، ولی به دلیل مهرورزی همیشگی مادر به فرزند، تشویق و رضایت مادرانه برای فرزند، عادی است. در مقابل، رضامندی پدر و آموزگار برای او گوارتر و مهم‌تر جلوه می‌کند.

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام درباره‌ی یکی از فرماندارانش می‌فرماید: **فَلَقَدْ أَحْسَنَتِ الْوَلَايَةَ وَ أَدَيْتِ الْإِمَانَةَ فَاقْبَلْ غَيْرَ ظَنِينٍ وَ لَا مَلُومٍ، وَ لَا مَتَّهَمٍ وَ لَا مَأْتُومٍ فَلَقَدْ أَرَدْتُ الْمَسِيرَ إِلَى ظُلْمَةِ أَهْلِ الشَّامِ، وَ أَحْبَبْتُ أَنْ تُشْهَدَ مَعِيَ، فَأَنْكَ، مِمَّنْ اسْتَظْهَرُ بِهِ عَلَى جِهَادِ الْعَدُوِّ، وَ أَقَامَةَ عَمُودِ الدِّينِ.**<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>: علی قائمی امیری، حدود آزادی در تربیت، ص ۲۱۵.

<sup>۲</sup>: شیخ عباس قمی، الأنوار البهیة فی تواریخ الحجج الإلهیة، ص ۵۳.

<sup>۳</sup>: عبدالمجید معادیخواه، فرهنگ آفتاب، ج ۳، ص ۱۳۹۵.



تو به خوبی فرمانروایی کرده‌ای و امانت را به جای آورده‌ای، پس بی‌آنکه مورد کم‌ترین بدگمانی و ملامتی باشی، یا اتهام گناهی درباره‌ی تو مطرح باشد، به سوی ما بیا، حقیقت این است که به سوی ستم‌گران شام آهنگ کرده‌ام و دوست دارم تو نیز همراه من باشی، زیرا تو از کسانی هستی که به خواست خدا، در جهاد با دشمن و برپاداشتن ستون دین بر تو تکیه دارم.

نکته:

۱ - تحسین و رضامندی باید بر پایه‌ی واقعیت‌ها و رفتاری باشد که از فرد سرزده است. نه بر اساس آن چه هنوز انجام نگرفته است.

۲ - تحسین و رضامندی باید خالصانه و باطنی بوده و از ظاهرسازی و تصنع به دور باشد.

۳ - تحسین باید به اندازه باشد تا در رشد، فرد نقش مثبت خود را ایفا کند. امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در این باره فرموده است:

الْتَّنَاءُ بِأَكْثَرِ مِنَ الْاِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ<sup>۱</sup>.

ستایش بیش از استحقاق، چاپلوسی است.

۴ - در به کارگیری واژگان و اصطلاحات در تحسین دقت شود. همه‌ی واژگان مربوط به ستایش و تحسین را به کار نگیرید، بلکه برای کارهای برتر فرد در آینده نیز عبارت‌هایی را ذخیره داشته باشید.<sup>۲</sup>

### ۳-۱. دعا کردن

یکی از شیوه‌های تشویق کلامی در آیات و روایات اسلامی، دعا کردن برای کودک، نوجوان و بزرگ‌سالی است که با اصلاح رفتار خود می‌کوشد و وظیفه‌ی خود را به درستی انجام دهد. دعا کردن پدر و مادر و مربی و مسئول در حق کودک و نوجوان نشانه‌ی علاقه‌مندی آنان به فرد است. این کار مایه‌ی آرامش روح و روان کودک است و او را به ادامه دادن رفتار شایسته و نیک، مصمم می‌سازد.

قرآن کریم به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله سفارش می‌کند هنگام صدقه گرفتن از مردم، برای آنان دعا کن:

خَذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ اِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>: نهج البلاغه، حکمت ۳۴۷.

<sup>۲</sup>: علی قائمی امیری، حدود آزادی در تربیت، ص ۲۱۸.

<sup>۳</sup>: توبه/۱۰۳.

ای پیامبر! از اموال آنان صدقه (زکات) بگیر و بدین وسیله آنان را پاک و پاکیزه ساز و در پی این کار، در حق آنان دعا کن (و درود فرست)؛ زیرا این کار، آنان را آرام خواهد کرد.  
عبدالله بن ابی اوفی می گوید:

هرگاه کسی زکات مالش را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می آورد، ایشان او را دعا می فرمود.<sup>۱</sup>

#### ۴-۱. تحریض کردن

یکی دیگر از شیوه‌های تشویق کلامی، تحریض افراد به کار نیک و شایسته و وظیفه‌ای است که بر عهده‌ی آنان نهاده شده است. تحریض، فرد را دل گرم می‌سازد و وی احساس می‌کند کسی، یار و پشتیبان اوست. خداوند دو بار در قرآن به پیامبر خود دستور می‌دهد مسلمانان را به جنگ با دشمنان اسلام تحریض کند:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ.<sup>۲</sup>

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تحریض کن (تشویق کن). هرگاه بیست نفر از شما با استقامت باشند، بر دویست نفر چیره می‌شوند. و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌شوند، زیرا آنان گروهی هستند که نمی‌فهمند.  
از این آیه‌ی شریفه چنین برمی‌آید که تحریض کردن، به معنای بیان توانایی، افراد بر انجام کار است.

#### ۵-۱. درود فرستادن

یکی دیگر از شیوه‌های تربیتی قرآن و تشویق به رفتار پسندیده، درود فرستادن بر کودک و نوجوان است، قرآن کریم از این شیوه برای دنیا، برزخ و آخرت استفاده می‌کند. به همین دلیل،

درباره‌ی حضرت یحیی علیه السلام می‌فرماید:

سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يَبْعَثُ حَيًّا.<sup>۳</sup>

درود بر او، آن روز که به دنیا آمد و آن روز که می‌میرد و آن روز که زنده برانگیخته می‌شود.

گاهی این درودها بدون قید دنیا و برزخ و قیامت آمده است، مانند:

سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۱۸

<sup>۲</sup>: انفال / ۶۵

<sup>۳</sup>: مریم / ۱۵



سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ.<sup>۲</sup>

سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ.<sup>۳</sup>

این درودها پی آمد کارهای نیک است:

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ.<sup>۴</sup>

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم.

بدین ترتیب، درود فرستادن به نیکوکاران سبب می شود آنان احساس شخصیت کنند و به کار نیک خود ادامه دهند.

### ۶-۱. وعده دادن

یکی دیگر از شیوه های تشویق، دادن وعده های نیک است. این وعده ها ممکن است مادی یا معنوی باشد. اگر کودکی بداند پس از انجام کردار نیک و آراسته شدن به اخلاق پسندیده، سرانجام نیکویی در انتظار اوست، با توانایی دو چندان کار خواهد کرد.

یکی از شیوه های تربیتی قرآن کریم، وعده هایی است که خداوند به مؤمنان و شایستگان می دهد. در اینجا نمونه هایی از وعده های الهی را بیان می کنیم.

### وعده ی مادی

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً.<sup>۵</sup>  
خداند به مردان و زنان با ایمان، باغ هایی از بهشت وعده داده است که از زیر درختانش، نهرها جاری است. در آنجاودانه خواهند ماند و خانه های پاکیزه ای است.

### وعده ی معنوی

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ عَظِيمٌ.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup>: صافات / ۱۰۹.

<sup>۲</sup>: صافات / ۱۲۰.

<sup>۳</sup>: صافات / ۷۹.

<sup>۴</sup>: صافات / ۸۰.

<sup>۵</sup>: توبه / ۷۲.

<sup>۶</sup>: مائده / ۹.

خداوند، به آن‌انکه ایمان آورده و کردار شایسته انجام داده‌اند، وعده‌ی آمرزش و پاداش بزرگ داده است.

### وعده‌ی رسیدن به خلافت زمین

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ.<sup>۱</sup>

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که به یقین، آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد.

۱ - باید کوشید به وعده‌ای که به کودکان و نوجوانان می‌دهید، وفا کنید. وفا نکردن به وعده، اعتماد کودکان را به پدر و مادر و آموزگار کاهش می‌دهد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمود: کودکان را دوست بدارید و نسبت به آنان مهربان باشید و به وعده‌ای که به آنان دادید، وفا کنید.<sup>۲</sup>

۲ - چیزهایی را وعده دهید که توان انجام دادن آن را داشته باشید. از وعده‌های انجام ناشدنی بپرهیزد.

۳ - کودکان را به وعده‌های بزرگ عادت ندهید تا تجمل‌پرستی در آنان پدید نیاید. دادن وعده‌های پرخرج و گزاف به اقتصاد خانواده آسیب می‌رساند و در تربیت روحی و اخلاقی کودک نیز اثر نابخا دارد.

### ۲. شیوه‌ی مالی

پاداش‌هایی که برای کودکان در نظر گرفته می‌شود، پرشمار و گوناگون است و ما به تناسب باید یکی از آن‌ها را برای کودک در نظر بگیریم. پاداش ممکن است نقد یا نسیه و مادی یا غیرمادی باشد. در این میان، مهم آن است که کودک نیز به پاداش یادشده به چشم پاداش بنگرد و او را به ادامه‌ی راه وادارد.

گفتنی است افزون بر کودکان، بسیاری از بزرگ‌سالان نیز با پاداش‌های مادی بیشتر ترغیب و تشویق می‌شوند اصولاً انسان به دلیل نیازمندی به مادیات، با برخورداری از پاداش‌های مالی، نسبت به انجام کار بیشتر دلگرم می‌شود. به ویژه انسان‌هایی که از گنجایش روحی بالایی برخوردار نیستند بیشتر به پاداش‌های مادی گرایش دارند.

بر اساس همین فطرت الهی، نه تنها در این دنیا، بلکه در سرای آخرت نیز با پاداش‌های مادی می‌کوشند، افراد را به سوی کردار نیک گرایش دهند. در قرآن آمده است:

<sup>۱</sup>: نور / ۵۵.

<sup>۲</sup>: محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۳۴.





وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ... وَفَاكِهَةٌ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ وَ لَحْمٍ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ وَ حُورٌ عِينٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ<sup>۱</sup>

پیش گامان پیش گامند، آنان مقربانند. در باغ‌های پر نعمت بهشت (جای دارند)... میوه‌هایی از هرگونه که انتخاب کنند و گوشت پرنده از هرگونه که مایل باشند. همسرانی از حورالعین دارند، همچون مروارید در صدف پنهان. این‌ها پاداشی است در برابر کرداری که انجام می‌دادند. پاداش‌های مالی و مادی در سیره‌ی تربیتی معصومین علیهم‌السلام نیز جایگاه ویژه‌ای داشته است. برای نمونه، یکی از فرزندان امام حسین علیه‌السلام به مکتب رفت و آموزگار به او سوره‌ی حمد آموخت. امام حسین علیه‌السلام هزار درهم به آن آموزگار پاداش داد. بعضی به این کار اعتراض کردند حضرت در پاسخ فرمود: «این کار آموزگار شایسته‌ی تشویقی بیش از این است.»<sup>۲</sup> گفته شده است در زمان ولیعهدی امام رضا علیه‌السلام، دعبل بن علی و ابراهیم بن عباس - دو تن از شاعران اهل بیت علیهم‌السلام - خدمت امام رضا علیه‌السلام رسیدند و قصیده‌های خود را خواندند امام رضا علیه‌السلام نیز بیست هزار درهم از درهم‌هایی که به نام ایشان ضرب شده بود، به آنان عطا فرمود.

### ۳. شیوه‌ی عاطفی

بسیاری از شیوه‌های تشویقی ممکن است تنها با گفتار یا رفتار، فرد را به رفتار نیک، دل‌گرم سازد. اعتمادسازی و محبت ورزیدن از شیوه‌هایی است که کاستی‌های عاطفی و روانی موجود در روحیه‌ی نوجوان و جوان را جبران می‌کند و آنان را به مسیر درست رهنمون می‌سازد. قرآن کریم از این شیوه تشویقی به طور گسترده برای تربیت انسان‌ها بهره برده است که اینک به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ - إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ<sup>۳</sup>

همانا خداوند، نیکوکاران را دوست دارد.

۲ - إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ<sup>۴</sup>

همانا خداوند، توبه‌کنندگان و پاکان را دوست دارد.

<sup>۱</sup>: واقعه، ۱۰ - ۱۲ و ۲۰ - ۲۳.

<sup>۲</sup>: دیدگاه اسلام نسبت به تشویق، ص ۷۵.

<sup>۳</sup>: بقره، ۱۹۵.

<sup>۴</sup>: بقره، ۲۲۲.



۳ - فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ<sup>۱</sup>

همانا خداوند، پرهیزکاران را دوست دارد.

۴ - وَاللَّهُ يُحِبُّ الْأَصَابِرِينَ<sup>۲</sup>

همانا خداوند، بردباران را دوست دارد.

۵ - إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ<sup>۳</sup>

همانا خداوند، توکل‌کنندگان به او را دوست دارد.

۶ - إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ<sup>۴</sup>

همانا خداوند، انسان‌هایی را که با عدل و انصاف رفتار می‌کنند، دوست دارد.

آشکار است که محبوب خدا قرار گرفتن برای یک فرد با ایمان، ارزش فوق‌العاده‌ای دارد.

بدین ترتیب، فرد به آرامش روانی دست می‌یابد و با برآورده شدن نیازهای عاطفی‌اش، به سوی خیر و صلاح، هدایت می‌شود.<sup>۵</sup>

اولیا و مریبان و مسئولان اجتماعی باید بکوشند از این شیوه بیشتر بهره‌گیرند؛ زیرا انسان‌ها برحسب فطرت و سرشت ذاتی خود دوست‌دار محبوبیت و احترام هستند. انسان‌ها می‌خواهند کرامت و ارزش انسانی‌شان نزد دیگران حفظ شود. از این رو، با افرادی که شخصیتشان را تکریم می‌کنند. و برای آنان، حرمتی بیش‌تر قائل هستند، خالص‌تر و صمیمانه‌تر ارتباط برقرار می‌کنند. بدین‌سان یکی از روش‌های تشویق در قبال انجام وظیفه‌ی یک فرد آن است که به او بفهمانیم او را دوست داریم.<sup>۶</sup>

#### ۴. شیوه‌ی معنوی

گاه در قرآن و روایات به تشویق‌های برمی‌خوریم که با شیوه‌های یاد شده تفاوت دارد. این تشویق‌ها اگر به سرای آخرت مربوط باشد، نسبت به نعمت‌های بهشتی و اخروی از افق و ارزش

<sup>۱</sup>: آل عمران، ۷۶.

<sup>۲</sup>: آل عمران، ۱۴۶.

<sup>۳</sup>: آل عمران، ۱۵۹.

<sup>۴</sup>: مائده، ۴۲.

<sup>۵</sup>: دیدگاه اسلام نسبت به تشویق، ص ۷۶.

<sup>۶</sup>: حدود آزادی در تربیت، ص ۲۲۱.



بیشتری برخوردار است و اگر به این دنیا مربوط باشد، تشویق‌های مالی و مادی برتر است. نشان دادن اعتماد به فرد یا نزدیک کردن او به خود، از این نمونه‌هاست.

راوی می‌گوید: ابو محمد هشام بن حکم که در آغاز جوانی بود، به جلسه‌ای وارد شد که حضرت صادق علیه‌السلام و شماری از اصحاب برجسته، کهن‌سال و بافضل و دانش ایشان برگرد آن حضرت حلقه‌زده بودند. چون چشم امام جعفر صادق علیه‌السلام به هشام بن حکم افتاد، از جای برخاست و او را احترام کرد و در بالای مجلس و کنار خود جای داد. این برخورد احترام‌آمیز حضرت، اعتراض بزرگان را برانگیخت، ولی ایشان هم چنان هشام را تشویق و تمجید کرد و فرمود:

وی در استدلال با مخالفان موفق بوده است و باینکه سن کمی دارد، ولی از اندوخته‌ی علمی بالایی برخوردار است. بنابراین، سزاوار چنین تشویقی است تا سرمشق دیگران باشد.<sup>۱</sup> پدر و مادر و مربیان نیز می‌توانند از این شیوه بهره‌گیرند و کودک و نوجوان را به خود نزدیک کنند و هم‌نشین محفل انس خود سازند. آنان باید کودک و نوجوان را به مجلس‌های بزرگان راه دهند و در خانه با او همراه و هم‌راز گردند. در این صورت است که می‌توانند برخی مسایل رفتاری را به طور غیرمستقیم به او بازگویند.

دعبل خزاعی - شاعر مشهور اهل بیت - می‌گوید: «روزی وارد مجلس امام رضا علیه‌السلام شدم. حضرت برای من در مجلس خودش جا باز کرد و مرا در کنار خود نشاند. سپس فرمود: ای دعبل! دوست دارم شعری برایم بخوانی. من قصیده‌ام را خواندم. آن حضرت سخت گریست و سپس سرش رابه سوی من بالا آورده و فرمود: ای دعبل! روح‌القدس این دو بیت را بر زبان تو جاری کرد.»<sup>۲</sup>

### گفتار دوم: شرایط تشویق

تشویق مانند هر امر دیگر هنگامی نتیجه‌بخش و مثبت است که بر اساس آداب و ویژگی‌های درست به کار رود. کوچک‌ترین بی‌توجهی به این ویژگی‌ها نه تنها اثر تربیتی نخواهد داشت، بلکه شخصیت فرد را تخریب خواهد کرد. اینک به ویژگی‌های عام تشویق اشاره می‌کنیم.

<sup>۱</sup>: دیدگاه اسلام نسبت به تشویق، ص ۷۸.

<sup>۲</sup>: دیدگاه اسلام نسبت به تشویق، ص ۷۸.

## ۱. تعلق گرفتن تشویق به رفتار و کردار نیک شخص

در تشویق باید به کار نیک فرد توجه کنیم، نه شخص او تا وی بداند که آنچه ارزشمند است، کار و رفتار اوست.

قرآن کریم در تشویق‌های خود به این ویژگی توجه کرده است. به همین دلیل، هنگامی که خداوند برای تشویق پیامبران سخن می‌گوید، ویژگی‌های پسندیده‌ی آنان را بیان می‌کند: **وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا**<sup>۱</sup>. در این کتاب ابراهیم را یاد کن؛ زیرا او بسیار راست‌گو و پیامبر (خدا) بود. خداوند، ابراهیم را شایسته‌ی یادآوری می‌داند و دلیل آن را ویژگی نیک ابراهیم علیه‌السلام برمی‌شمارد.

**وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا**<sup>۲</sup>.

در این کتاب (آسمانی) از موسی یاد کن؛ زیرا او مخلص بود و رسول و پیامبری والامقام.

**وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ**<sup>۳</sup>.

در این کتاب از اسماعیل (نیز) یاد کن؛ زیرا او در وعده‌هایش، راست‌گو بود.

امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید:

**إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ ضَمِنَ عَلَى الْعَمَلِ الثَّوَابَ**<sup>۴</sup>.

همانا خداوند وسعت دهنده و کریم است و در عمل، ضامن پاداش است.

تشویق و تنبیه نیز همانند هر کار دیگری باید طبق قانون و در چارچوب خاص خود به کار گرفته شود تا پیامدهای مطلوب خود را بر جای گذارد. با هر فرد باید به تناسب وضع و حالش رفتار کرد و به وسیله‌ی تشویق و تنبیه مناسب، آن را هدایت نمود. حضرت علی(ع) در نامه‌ای به مالک می‌فرماید: **وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ... وَالْزِمُّ كُلًّا مِنْهُمْ مَا أَلَزَمَ نَفْسَهُ**<sup>۵</sup> هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند... و هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده. در تربیت افراد باید به شخصیت و ویژگی‌های فردی مثل سطح دانایی فرد و خلق و خوی او

<sup>۱</sup>: مریم / ۴۱.

<sup>۲</sup>: مریم / ۵۱.

<sup>۳</sup>: مریم / ۵۴.

<sup>۴</sup>: محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۴۷.

<sup>۵</sup>: نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۵۴.



و نحوه‌ی رفتار او توجه شود و بر اساس آن، نوع برخورد و تشویق و تنبیه تعیین شود. گاهی شخص دانا با نگاه یا تذکر جزئی پی به اشتباه خود می‌برد و گاهی نادان با تازیانه هم هدایت نمی‌شود. حضرت، در این زمینه سخنان جالب و پر مغزی دارند. ایشان می‌فرمایند: عُقُوبَةُ الْعُقَلَاءِ التَّلْوِيحُ، عُقُوبَةُ الْجُهَلَاءِ التَّصْرِيحُ.<sup>۱</sup> کیفر دادن خردمندان، به اشاره است و کیفر دادن نادانان به تصریح. التَّعْرِيزُ لِلْعَاقِلِ أَشَدُّ عِتَابِهِ.<sup>۲</sup> گوشه و کنایه زدن برای شخص عاقل سخت‌ترین عقاب و سرزنش او است .

## ۲. متناسب بودن تشویق با رفتار

تشویق باید به‌جا و متناسب با میزان و نوع کار باشد شکل آن - تشویق زبانی، رفتاری، مالی، معنوی - باید به روحیه‌ی شخص هنگام گزینش توجه شود.

اگر پاداشی مادی است، باید به‌گونه‌ای باشد که کودک بتواند از آن بهره‌مند گردد. برای نمونه، اگر بخواهیم برای کودکی که توانسته بر خود مسلط باشد و ضوابط رفتاری و کنترل‌های اجتماعی را بپذیرد، پاداش مادی در نظر بگیریم، خرید دایرةالمعارف برای او خطاست. این پاداش هرچند گران‌بهاست، ولی برای کودک سودی ندارد.

باید با خرید لباس زیبا و وسایل و اشیایی مورد استفاده و پرزرق و برق، او را تشویق کرد. تشویق و تنبیه باید به‌جا و متناسب با میزان و نوع کار باشد. نباید برای کار کوچک، پاداش‌های بزرگ و تحسین‌های بیش از اندازه در نظر گرفت. در مورد تنبیه هم، باید میزان خطا و جرم را در نظر گرفت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، درباره‌ی فردی که از نافرمانی خانواده‌اش شکایت کرد بعد از امر به عفو و بخشش فرمودند: اگر خواستی تنبیه کنی، به اندازه گناهی که کرده است مجازات کن.<sup>۳</sup>

و نیز در نهج‌البلاغه آمده: ثُمَّ اعْرِفْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا أْبْلَىٰ وَ لَا تَضْمَنْ بِلَاءَ امْرِئٍ إِلَىٰ غَيْرِهِ وَ لَا تَقْصِرَنَّ بِهِ دُونَ غَايَةِ بِلَائِهِ وَ لَا يَدْعُونَكَ شَرَفُ امْرِئٍ إِلَىٰ أَنْ تُعْظِمَ مِنْ بِلَائِهِ مَا كَانَ صَغِيرًا وَ لَا ضَعْفُ امْرِئٍ إِلَىٰ أَنْ تَسْتَصْغِرَ مِنْ بِلَائِهِ مَا كَانَ عَظِيمًا.<sup>۴</sup> همواره در نظر دار که هر یک چه مقدار

<sup>۱</sup>: سید هاشم رسولی محلاتی، ترجمه غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۳۶۲، ح ۶۳۲۹ و ۶۳۲۸

<sup>۲</sup>: سید هاشم رسولی محلاتی، ترجمه غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۱۰۵، ح ۶۲۸۰

<sup>۳</sup>: ابراهیم امینی، آیین تربیت، ص ۳۶۸

<sup>۴</sup>: نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۵۸

رنج و تلاش کرده‌اند، و رنج کسی را به دیگری نسبت نده و در اجر و مزدش به اندازه رنجی که برده کوتاهی مکن (مقدار تشویق متناسب با عمل) شرف و بزرگی کسی تو را وادار نکند که رنج اندکش را بزرگ شماری (بی جا او را تشویق کنی) و فرو دستی کسی تو را و اندارد که رنج بزرگش را کوچک شماری (و او را تشویق مناسب نکنی)

### ۳. تشویق بهنگام

تشویق باید بهنگام انجام گیرد تا تأثیر مشخص و کارایی مثبت داشته باشد. اگر می‌خواهید به کار نیک کودک پاداش دهیم یا رفتار و اخلاق پسندیده‌ی او را تحسین و تشویق کنید، باید بی‌درنگ پس از انجام آن کار نیک، به او پاداش دهید و از اخلاق نیک او، تعریف و تمجید کنید. فاصله افتادن میان کار نیک و دادن پاداشی که برای او در نظر گرفته‌اید، کارایی چندانی ندارد و کودک را به تکرار آن کار وادار نخواهد کرد. در اینجا از رفتار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در تشویق «حسان بن ثابت» در غدیر خم می‌توان یاد کرد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، علی علیه‌السلام را در غدیر خم به عنوان پیشوای مردم پس از خود معرفی کرد و فرمود:

هر که من مولای اویم، علی مولای اوست و بر شماست که به‌راستی پیرو او باشید. در این هنگام حسان بن ثابت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اجازه خواست تا اشعاری درباره‌ی علی علیه‌السلام و برگزیدن آن حضرت به امامت و خلافت بسراید. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ای حسان! به میمنت و برکت الهی بسرای. حسان شعری زیبا سرود و خواند. چون حسان، شعر خود را خواند، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در قدردانی از او فرمود:

لَا تَزَالُ يَا حَسَّانُ مُؤَيِّدًا بِرُوحِ الْقُدُسِ مَا نَصَرْتَنَا بِلِسَانِكَ<sup>۱</sup>

ای حسان! تا آن زمانکه ما را به زبان خودیاری می‌کنی، از پشتیبانی‌های روح‌القدس بهره‌مند گردی.

### ۴. متعادل بودن تشویق

تشویق نباید بیش از اندازه باشد، زیرا سبب غرور و تباهی شخص می‌شود. هم‌چنین نباید کم‌تر از اندازه باشد، زیرا نتیجه‌ی مطلوب خود را از دست می‌دهد و انگیزه‌ی کافی برای تلاش و حرکت نمی‌آفریند. علی علیه‌السلام می‌فرماید:

<sup>۱</sup>: سید مرتضی علم الهدی، الفصول المختارة، ص ۲۹۰؛ محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد، ج ۱، ص

إِذَا مَدَحْتَ فَاخْتَصِرِ.<sup>۱</sup>

هنگامی که کسی را مدح می‌کنی، میانه‌روی کن.

آیین مقدس اسلام در برنامه‌ی تربیتی خود برای کودکان و نوجوانان، پدر و مادر را از زیاده‌روی در تشویق بر حذر داشته است. اسلام کار آنان را که در مهر و نوازش و ستایش و تمجید فرزندان، راه افراط می‌پیمایند و با روش ناپسند خویش، آنان را به خودپسندی عادت می‌دهند، نمی‌پسندد. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

شَرُّ الْأَبَاءِ مَنْ دَعَاهُ الْبِرُّ إِلَّا فِرَاطًا.<sup>۲</sup>

بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی و محبت نسبت به فرزندان خود از اندازه پا فراتر می‌نهند و به زیاده‌روی می‌گیرند.

تشویق باید به اندازه باشد تا اثرات منفی به جا نگذارد. حضرت علی (ع) به این امر اشاره دارند آن جا که می‌فرماید: الثَّناءُ بِأَكْثَرِ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَالتَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ.<sup>۳</sup> ستودن بیش از آنچه که سزاوار است نوعی چاپلوسی، و کمتر از آن، درماندگی یا حسادت است. در مورد تنبیه هم باید سنجیده عمل کرد و به هیچ وجه از حد و مرز لازم تجاوز نکرد، زیرا عملی طبیعیانه است و هر گونه بی‌دقتی فاجعه بار خواهد بود.<sup>۴</sup> می‌توان گفت تنبیه همانند امر به معروف و نهی از منکر باید از مراحل نرم و آسان به مراتب سخت و خشن انتقال یابد. پس راه جبران خطا را نباید بست. داستان مَصْقَلَةُ بن هبیره (نهج‌البلاغه، نامه ۴۳) و نامه‌ی حضرت به اشعث بن قیس (نهج‌البلاغه، نامه ۵) و... نمونه‌های بسیار خوبی برای مقدار تنبیه به شمار می‌آیند. ایشان در مورد سرزنش زیاد و نسنجیده که باعث گستاخی در شخص می‌شود می‌فرمایند: الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشْبُ نَارَ اللَّجَاجَةِ.<sup>۵</sup> زیاده‌روی در سرزنش، آتش لجاجت را در فرد روشن می‌کند. و در جایی دیگر فرمودند: إِيَّاكَ أَنْ تُكْرِرَ الْعَتَبَ فَإِنَّ ذَلِكَ يَغْرِي بِالذَّنْبِ وَيَهْوِنُ الْعَتَبَ.<sup>۶</sup> بپرهیز از این که تکرار کنی سرزنش را زیرا که حرص بر گناه را زیاد می‌کند (زیرا در اثر تکرار سرزنش، قبح

<sup>۱</sup>: عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۳۹۸۳

<sup>۲</sup>: احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰

<sup>۳</sup>: نهج‌البلاغه، حکمت ۳۴۷، ص ۶۹۸

<sup>۴</sup>: مصطفی دلشاد تهرانی، ماه مهر پرور، ص ۵۶۴

<sup>۵</sup>: آقا جمال الدین خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۷، ص ۳۵۹

<sup>۶</sup>: آقا جمال الدین خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۲۳

آن گناه در نظر فرد از بین می‌رود و همچنین حیا و شرم او کم می‌شود و این در حقیقت باعث تحریص او بر آن گناه می‌شود) و سرزنش کردن را خوار می‌گرداند (یعنی اثر سرزنش را از بین می‌برد و آن را بی‌فایده و بی‌تأثیر می‌نماید). در حدیث دیگری می‌فرماید: عقاب و تنیدی زیاد نداشته باشید زیرا این امر کینه را در پی دارد و فرد را به سوی دشمنی فرا می‌خواند.<sup>۱</sup>

### ۵. تشویق؛ وسیله نه هدف

تشویق، وسیله‌ی برانگیختن است و نباید خود به صورت هدف درآید و همه‌ی فکر آدمی را به خود سرگرم سازد؛ زیرا در این صورت، نقش بازدارنده پیدا می‌کند و سبب به فراموشی سپردن هدف اصلی می‌شود. قرآن کریم، تشویق‌های مادی و معنوی فراوانی برای ترغیب مؤمنان و شایستگان بیان می‌فرماید، ولی همه‌ی آنها را وسیله‌ای برای رسیدن به هدف بالاتر تا رضوان الهی می‌داند:

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.<sup>۲</sup>

خداوند به مردان و زنان باایمان، باغ‌هایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است، در آنجاودانه خواهند ماند و خانه‌های پاکیزه‌ای در بهشت‌های جاودان (نصیب آنان می‌سازد) و (خشنودی و) رضای خدا از همه‌ی این‌ها، برتر است. و پیروزی بزرگ، همین است.

همان‌گونه که از این آیه‌ی شریفه برمی‌آید، تلاش اصلی انسان باید رسیدن به تا رضوان الهی باشد و نعمت‌های بهشتی را وسیله‌ی ترغیب به انجام کردار نیک و شایسته بدانند. پیامبر اکرم

صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَشْغُولِينَ بِأَمْرِكَ.<sup>۳</sup>

خدایا! ما را از کسانی قرار ده که پیوسته به امر تو سرگرم‌اند.

### ۶. آشکار بودن دلیل تشویق

شخصی که تشویق می‌شود و آن‌آنکه شاهد تشویق او هستند، باید دلیل تشویق شدن را بدانند. تشویق باید به‌گونه‌ای باشد که فرد، خود را سزاوار آن ببیند و از تأیید درونی وی برخوردار باشد.

<sup>۱</sup>: محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۸، ص ۵۴۶

<sup>۲</sup>: توبه / ۷۲.

<sup>۳</sup>: محمد بن محمد بن حیدر شعیر، جامع الاخبار، ص ۳۴۶؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار،

ج ۹۵، ص ۳۶۰.



اگر فرد نداند برای چه کاری، تشویق شده است یا در برابر کاری بسیار کوچک و کم‌اهمیت، تشویق شود، به دو مشکل برمی‌خورد. نخست، نمی‌داند کدام کارش مطلوب بوده است که باید آن را تکرار کند. دوم اینکه پاداشی که در برابر کاری کم‌اهمیت دریافت کرده است، تأیید درونی

او را بر نمی‌انگیزد و خود را سزاوار دریافت آن پاداش نمی‌بیند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:  
وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ  
السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عِزِّي الدَّارِ \* جَنَّاتٌ عِدْنُ يَدْخُلُونَهَا... وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ \*  
سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ.<sup>۱</sup>

آن‌آنکه به دلیل ذات (پاک) پروردگارشان شکیبایی می‌کنند و نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم، در پنهان و آشکار انفاق می‌کنند و با نیکی‌ها، بدی‌ها را از میان می‌برند، پایان نیک سرای دیگر، از آن آنان است. (همان) باغ‌های جاویدان بهشتی که وارد آن می‌شوند... و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می‌گردند و به آنان می‌گویند: سلام بر شما به خاطر بردباری و پایداری‌تان چه نیکوست سرانجام آن سرای جاویدان!

خداوند در این آیات، دلیل اعطای پاداش‌های بزرگ را موارد زیر معرفی می‌کند:

۱ - صبر در راه خدا

۲ - برپاداشتن نماز

۳ - انفاق آشکار و پنهان در راه خدا

۴ - زدودن بدی‌ها به وسیله‌ی خوبی.

روزی «کمیت بن زید اسدی» خدمت امام سجاد علیه‌السلام رسید و عرض کرد: «شعری درباره‌ی شما گفته‌ام که می‌خواهم وسیله‌ی تقریبی نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله باشد» آنگاه قصیده‌ی میمیه‌ی خود را تا آخر خواند. چون قصیده به پایان رسید، امام سجاد علیه‌السلام فرمود: «ما پاداش تو را نتوانیم داد، امید است که خداوند به تو پاداش دهد.» کمیت گفت: می‌خواهم بعضی از لباس‌هایی که بدنتان را لمس کرده است، به من عطا فرمایید». امام علیه‌السلام پاره‌ای از لباس‌هایش را به او داد و در حق او چنین دعا کرد:

خدایا! کمیت نسبت به خاندان پیامبر، نیک‌انجام وظیفه کرد، آنگاه که بیشتر مردم از این کار بخل ورزیدند و تن زدند. آنچه از حق را که دیگران پوشیده داشتند، او آشکار کرد. خدایا! به او زندگی سعادت‌مند ببخش و شهیدش بمیران و جزای نیکش ده که ما از پاداش او ناتوانیم.

<sup>۱</sup>: رعد / ۲۲ - ۲۴.



کمیت بعدها می‌گفت: «پیوسته از برکت این دعا بهره‌مند بودم.»<sup>۱</sup>

## ۷. تعلق تشویق و تنبیه به رفتار، نه به شخصیت فرد

تشویق باید به فعل و عمل نیک شخص تعلق گیرد تا محرک و تقویت کننده باشد و موجب خود بینی و خروج از اعتدال شخص نشود، بلکه فرد را به سوی منازل و مراتب بالاتر ترغیب نماید. تنبیه نیز باید به کار بد تعلق گیرد، نه به شخصیت فرد؛ در غیر این صورت فرد بر اثر تنبیه در معرض احساس حقارت قرار می‌گیرد. چنانکه امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام)، فرموده‌اند: **إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَضَعَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ وَالْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ**<sup>۲</sup> همانا خدای سبحان پاداش را «بر طاعت» خود و عقاب را «بر نافرمانی» خود قرار داده است ...

### نتیجه

تشویق بجا و مناسب موجب ایجاد انگیزه، شوق، اراده و عزم در فرزندان می‌شود و آنان را برای انجام کارهای بزرگ‌تر آماده می‌سازد. در واقع تشویق و تنبیه نردبان پیشرفت و موفقیت آن‌ها است. نکته مهم این است که به خاطر ویژگی‌ها و حالات پیچیده روح کودک، باید در تشویق و تنبیه، اصول و ضوابط مربوطه را رعایت شود؛ چرا که در غیر این صورت، مشکلات و پیامدهای منفی برای شخص و حتی جامعه به بار می‌آورد. به عنوان نمونه می‌توان به تعدادی از شرایط مهم اشاره کرد: پرهیز از تبعیض، متناسب بودن تشویق و تنبیه با کار شخص، هماهنگی تشویق و تنبیه با معیارهای اخلاقی و دینی، توجه به هدف نبودن آن‌ها، اجرا کردن مرحله‌ای و رعایت مراتب.

<sup>۱</sup>: عبدالحسین امینی، الغدیر، ج ۴، ص ۳۶.

<sup>۲</sup>: نهج البلاغه، حکمت ۳۶۸، ص ۷۰۲.

## منابع

۱. قرآن مجید
۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۶ هـ ق
۳. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۴. امینی نجفی، عبد الحسین، الغدير فی الكتاب و السنه و الادب، قم: مرکز غدیر، چ اول، ۱۴۱۶ هـ ق
۵. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، دار الکتب العلمیه، ۱۳۹۴ ق
۶. بهشتی، احمد، اسلام و تربیت کودکان، تهران، ۱۳۷۲، سازمان تبلیغات اسلامی.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: موسسه اهل بیت لاحیاء التراث، چ اول ۱۴۱۳ هـ ق
۸. حسینی، داود، جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام، تهران، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۱ ش
۹. خوانساری، جمال الدین محمد؛ شرح غررالحکم ودرر الکلم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.
۱۰. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) (تربیت دینی)؛ قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.
۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی. سیری در تربیت اسلامی، چاپ اول، تهران: ذکر، ۱۳۸۰.
۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ مشرب مهر، فرهنگ و ارشاد اسلامی، پاییز ۱۳۷۹، چاپ اول.
۱۳. رسولی محلاتی، سید هاشم. ترجمه غررالحکم و درر الکلم، چاپ دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۴. شریف رضی، محمد بن حسین، خصائص الائمه، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ ق
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم: انصاریان، ۱۴۲۶ هـ ق.
۱۶. صدوق، محمد بن علید بابویه، عیون اخبار الرضا، ترجمه مستفید، حمید رضا، غفاری، علی اکبر، تهران دارالکتب الاسلامیه، چ اول، ۱۳۸۰
۱۷. طبرسی، ابو علی الفضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق، گروهی از علماء و محققین، بیروت لبنان: موسسه الاعلمی للمطبوعات، چ اول، ۱۴۱۵ هـ ق

۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، دانشگاه تهران و مرکز مدیریت، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش
۱۹. قائمی امیری، علی؛ حدود آزادی در تربیت، انجمن اولیا و مربیان، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۲۰. قائمی مقدم، محمدرضا، روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته‌ی علوم تربیتی، ۱۳۷۹، پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه.
۲۱. قمی، عباس، سفینه‌البحار، محمد باقر ساعدی، مشهد: کتاب فروشی جعفری، ۱۳۵۸.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تحقیق: فقیه، محمد جواد، تصحیح: بقاعی، بیروت: دار الاضواء، چ اول، ۱۴۱۳ هـ ق
۲۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق
۲۴. مفید، محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تحقیق: موسسه آل البیت قم: کانفرس جهانی هز امین سال شیخ مفید، چ اول ۱۴۱۳ هـ ق
۲۵. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، محمد ابراهیم آیتی، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.